

پداگوژی دست‌ساز در فضای مجازی

■ زهراسادات دعائی، پایه دوم، دبستان دخترانه دوره اول، ناحیه ۲



برای این کار خانواده‌ای در میان نبود. تنها من و خود بچه‌ها بودیم.

طی دو هفته پیش رو بچه‌ها شدیداً سرگرم این ماجرا بودند که چگونه و کجا شعر را حفظ کنند و آهنگ را پخش کنند و با آن بخوانند که مامان‌ها متوجه نشوند، هر روز سر کلاس آنلاین درباره این موضوع باهم آهسته صحبت می‌کردیم و آن‌ها با کلی ذوق و خوشحالی از تجربه تمرین یواشکی روز گذشته‌شان می‌گفتند و من هم از شادی و خوشحالی آن‌ها ذوق زده می‌شدم...

با پیگیری‌های خستگی‌ناپذیر با تک تک دانش‌آموزان، فیلم هم خوانی آن‌ها با آهنگ مورد نظر به دستم رسید و با نرم‌افزار فیلم‌هایشان را کنار هم قرار دادم، طوری که انگار باهم و در کنار هم اجرا می‌کنند. نماهنگ آماده شد و در روز مادر برای مامان‌ها به اشتراک گذاشتم.

البته این جا اذعان می‌کنم که با همه تمهیداتی که به کار گرفتیم، در روزهای پایانی بعضی از خانواده‌ها در جریان برنامه هیجان‌انگیز ما قرار گرفته بودند ولی خیلی از آن‌ها واقعاً غافلگیر شدند و لحظات پر شور و حال و هیجان برانگیزی برای همه ما رخ داد، دو هفته پر چالش و پرکاری بر همه ما گذشت. جنب و جوش و خستگی لذت بخشی بود. دیدن نشاط و شادی که بابت این ماجرا در بچه‌ها ایجاد شده بود و ذوق زدگی مامان‌ها که در این روزهای کرونایی زحمت فراوان می‌کشند و همراهی صمیمانه‌ای با ما و بچه‌ها دارند برای من و همه بچه‌ها اتفاق خوشایندی بود که شیرینی آن تا امروز که حدود یک سال از زمانش می‌گذرد باقی مانده است، این همه هیجان و جنب و جوش و قدردانی را برای همیشه به یاد خواهیم سپرد. زیرا ابتکار پایه قول دکتر سرکارآرانی «پداگوژی دست‌ساز» معلمی در پهنه کویر، نتیجه خلاقیتی بود که به عشق بچه‌ها و دیده شدن آن‌ها در دل و ذهنم نقش بسته بود. دست‌ساز بود زیرا نمونه آن را در هیچ کتابی و جزوه‌ای و کلاس آموزش ضمن خدمتی ندیده بودم.

کرونا که آمد دنیایی از محدودیت و چالش را با خودش آورد اما بعضاً منجر به اتفاقات فوق العاده سازنده‌ای نیز شد. پداگوژی‌های دست‌ساز ما معلمان بعضی از چالش‌ها را به فرصت تبدیل کرد که به نظرم فراموش نشدنی است. سال تحصیلی گذشته تمام شد اما من هنوز به واسطه این تجربه مشترک با بچه‌های این کلاس در ارتباطم و گاهی سراغ یکدیگر می‌گیریم و به احوال پرسشی از هم می‌پردازیم. کمال این است و بس! ■

در آموزش مجازی به دلیل به

حداقل رسیدن ارتباط مستقیم

و رودروی معلم و دانش‌آموز، ابزارها

و روش‌هایی برای ایجاد تنوع بین بچه‌ها لازم داریم تا آن‌ها انرژی لازم برای ادامه راه یادگیری را کسب کنند. تجربه خودم را در ارتباط با یکی از این اتفاقات سال تحصیلی گذشته با شما به اشتراک می‌گذارم.

سال‌های پیش از کرونا برنامه کلاس برای روز مادر، ساخت کارت پستال در مدرسه و سپس هدیه دادن آن به مامان‌ها بود. اما اوضاع در آموزش مجازی کمی متفاوت شد؛ حدود دو هفته مانده به میلاد حضرت زهرا (س) و روز مادر، فکر بکری به ذهنم رسید.

سر کلاس آنلاین وقتی خواستم برنامه روز مادر را برای بچه‌ها شرح دهم، با صدای آهسته انگار که فقط باید خود آن‌ها بشنوند و نه هیچ یک از اعضای خانواده‌شان، گفتم: «بچه‌ها گوش کنید می‌خواهیم برای روز مادر نماهنگی بسازیم تا با آن، مامان‌هایمان را غافلگیر کنیم.» اتفاق جالب از همین لحظه شروع شد. بچه‌ها قضیه را کاملاً جدی گرفتند و دائم آن‌ها هم با صدای آهسته سؤال می‌کردند و هیجان زده بودند. سؤال اصلی این بود که آهنگی که باید با آن تمرین کنیم تا برای نماهنگ بخوانیم و فیلم خود

را ارسال کنیم

چگونه برایمان

می‌فرستید؟ اگر در

گروه بگذارید که مامان‌ها همه

می‌بینند! چند نفری برای حل این مشکل پیشنهاد دادند و در نهایت به این نتیجه رسیدیم که گروهی در پیام‌رسان واتس‌آپ تشکیل دهیم که در آن هر دانش‌آموز با خط شخصی خودش عضو باشد تا پیام‌ها به رؤیت مامان‌ها نرسد. چند نفری از بچه‌ها هم که خط شخصی نداشتند، با همان شماره مادر عضو شدند و با مامان‌هایشان هماهنگ کردم تا پیام‌های این گروه فقط توسط خود بچه‌ها خوانده شود.

به این ترتیب گروه بچه‌های دوم یاس ساخته شد. که پیش از این گروهی که تنها با خود دانش‌آموزان در ارتباط باشم، نداشتم، آهنگ و شعر مربوطه را در همین گروه برای بچه‌ها ارسال کردم و این تنها برنامه‌ای شد که برای هماهنگی فقط و فقط با خود دانش‌آموزانم در ارتباط بودم. البته چالش‌های خاص خودش را هم داشت، برای مثال پیش از این برنامه برای مناسبت‌های مختلف کاری که باید هر دانش‌آموز آماده و ارسال می‌کرد به خانواده اطلاع‌رسانی می‌شد و از آن‌ها خواسته می‌شد. خانواده هم پیگیر بود و مراقبت می‌کرد تا کار آماده و ارسال شود. اما